

زنان گرجی در دربار شاه تهماسب از (۹۲۹-۹۹۶ هجری قمری)

محمدعلی پرغو

دانشیار، عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تبریز

parghoo_1404@yahoo.com

رقيه باقرنسب آذرشربینانی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام

hannanehdrerafshi@gmail.com

■ چکیده

بر اساس مناسبات سیاسی میان ایران و همسایگان جهت حفظ مناطق دارای اهمیتی چون مناطق قفقاز به بهانه‌های مختلف چون غزا و نیز جهت کسب غنایم لشکرکشی می‌کردند. در این لشکرکشی‌ها تسلیم، قتل یا اسارت و غارت مردمان نواحی مختلف را در پی داشت. چگونگی حضور اسرای گرجی در ایران و جایگاهی که کسب نمودند و تأثیری که در رخدادهای تاریخی آن دوره داشتند، که در این پژوهش با استفاده روش توصیف و تبیین، برای این سؤالات، این فرضیه که آنان به وسیله آموزش، آمیزش و حمایت برخی از سران طوایف یا خویشان در حرم دارای جایگاه شده و به نسبت همین جایگاه نفوذ و قدرت مداخله در امور مختلف را کسب کردند، ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: زنان گرجی، دربار، شاه تهماسب، صفوی.

روابط ایران و گرجستان

موقعیت خاص و استراتژیک منطقه گرجستان که در دامنه کوه‌های قفقاز و قسمت شرقی سواحل دریای سیاه واقع شده است (مجموعه مقالات، ۱۳۸۰: ۳)، تأثیر بسزا و نقش تعیین‌کننده‌ای در روابط خارجی ایران (کائف، ۲۵۳۶: ۶) در ادوار مختلف داشته است. به گونه‌ای که این روابط از دوران باستان تا دوره صفویه که مورد بحث پژوهش پیش رو است، ادامه داشته است. ساکنان آن یعنی گرجیان که یکی از اقوام مسیحی قفقاز بودند که به صورت پراکنده در برخی از نواحی قفقاز زندگی می‌کنند و نام خود را به سرزمینی که بیشتر در آن ساکن هستند یعنی گرجستان داده‌اند. (گوگچه، ۱۳۷۳: ۸) این مردمان به طور کلی صورت صاف و زیبا دارند. زبانشان آهنگ لطیفی دارد و جسور و شجاع به شمار می‌آیند. به لحاظ تاریخی از زمان اسکندر کبیر به نام آنان برمی‌خوریم اما گرجیان تاریخ ملی خود را به عصر کهن‌تر می‌رسانند. (همان، ۹) از مهم‌ترین دلایل اهمیت گرجستان در مناسبات صفویان با همسایگانی نظیر روس و عثمانی در عصر صفوی میزان تسلط و حفظ ثبات قلمرو صفویان یا حکومت‌های قبل و بعد به واسطه تعیین حکام تحت تابعیت و دست‌نشانده در این ایالت خودمختار بود. (وکیلی، ۱۳۹۰: ۸۹) با توجه به تغییر اوضاع سیاسی ایران و دگرگونی ساختارهای مذهبی، پیوندهای سنتی میان ایران و گرجستان و دلایل اقتصادی (میرجعفری، ۱۳۹۰: ۴۴۷) در عصر صفوی گرجستان به نقطه تقابل و منازعه میان ایران و عثمانی تبدیل گردید. (مجموعه مقالات، همان، ۵) با توجه به تعاریف خاصی که جغرافی دانان و مورخان نظیر حمدالله مستوفی قزوینی یا زین‌العابدین شیروانی آن را ایالتی در قلمرو و مرز سیاسی و فرهنگی ایران قرار داده‌اند، (تکمیل همایون، ۱۳۸۰: ۸۴) بررسی مناسبات مختلف میان صفویان و گرجیان در بررسی‌های تاریخی ایران حائز اهمیت است.

پیشینه تحقیقی که به طور اختصاصی به زبان گرجی در حرم صفوی به ویژه در دوره تهماسب اول پرداخته باشد، یافت نشد؛ اما در پاره‌ای از پژوهش‌های جدید و برخی منابع به طور اختصار مسطور گردیده است. از جمله این تحقیقات جدید

می‌توان وضعیت اجتماعی زنان در دوره صفوی با تکیه بر دیدگاه سفرنامه‌نویسان توسط سکنه دنیاری که در سال در پاییز ۱۳۹۴ در نشریه جندی‌شاپور به چاپ رسیده است یا چگونگی استقرار مهاجران گرجی در ایران دوره صفوی از محسن بیگدلی در نشریه تحقیقات تاریخ اجتماعی در سال ۱۳۹۸ و حرم در دولت صفوی از اردوغان آرآلب ترجمه مینا سهرابی و رضا الوندی در نشریه تاریخ پژوهی در بهار ۱۳۹۸ منتشر گردیده‌اند را برشمرد.

غزا و جهاد علیه کفار توسط شیخ جنید و شیخ حیدر

صفویان به بهانه نشر اسلام در مناطق قفقاز، به این مناطق لشکرکشی کرده و با به اسارت گرفتن زنان و کودکان و حتی مردانی و کوچاندن آنان به ایران به صورت تدریجی و ماندگار شدن آنان در داخل مرزهای سیاسی قلمرو صفویان طبقه جدیدی از این مهاجران در جامعه ایرانی به وجود آمد که برخی از آنان وارد مناصب نظامی و موفق به کسب جایگاه ویژه، مجال راه یافتن به دربار و حرم شاهان، وصلت با بزرگان، اشراف و امرا یافته و در معادلات سیاسی و اجتماعی نقش مهمی ایفا کنند. (وکیلی، همان، همان جا) اولین مواجهه گرجیان و صفویان به زمان جنید که اولین رهبری صفویه بود که لقب سلطان گرفت و این نشأت گرفته از سنت مذهبی عدم رضایت او از صرف مقام معنوی و تمایل به قدرت دنیوی و پادشاهی (سیوری، ۱۳۹۱: ۵) در او بود، در سال (عادل، ۱۳۸۵: ۳۶) ۸۳۴ هجری قمری بازمی‌گردد.

این مواجهه به قصد غزا و جهاد با هدف طرح توسعه ارضی (بیگدلی، ۱۳۹۸: ۱۳۶) توسط این رهبر جنگجوی طریقت صفوی آغاز گردید. (قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۵، خواندمیر، ۱۳۴۰: ۴۲۵ و اصفهانی، ۱۳۷۲: ۵۱، حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۳۷ و جنابندی، ۱۳۷۸: ۹۳ و استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۵ و رویمر، ۱۳۹۵: ۲۳۳) شیخ حیدر در نبرد شروان کشته شد، که در مورد تاریخ این رویداد میان محققان اتفاق نظر وجود دارد. در عصر حیدر پسر جنید نیز تداوم داشت که در این دوره حیدر به تبعیت از پدر در تجهیز سپاه و در کنار آن با استفاده از نیرویی به نام قزلباش با عنوان جهاد با کفار به

بود. (همان، همان جا)

پیشینه حضور گرجیان در ایران عصر صفوی

برخورد گرجیان و صفویان در ادوار مختلف را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد. در هر دوره ماهیت برخورد تفاوت و شباهت‌هایی با دوره قبل داشت. در ابتدا آیت برخوردهای پیامد‌هایی برای شیوخ گرجستان داشت و رفته‌رفته این برخوردها که جنبه نظامی و مذهبی داشتند بیشتر سمت‌وسوی سیاسی و نظامی برجسته‌تری گرفته و در نهایت با ورود اسرا گرجی به ایران به ویژه نظامیان و زنانی که وارد عرصه قدرت شده و نفوذ سیاسی یافتند، تغییرات اجتماعی، سیاسی و نظامی قابل توجهی در ساختار سیاسی، اجتماعی و نظامی صفوی به وجود آورد. (پناهی، ۱۳۹۴: ۴۹) برخورد ایرانیان با گرجیان در زمان جنید و حیدر و برای نخستین بار اسرای گرجی (تحفه‌های لایق) (روملو، همان، ۲۱۲، آهنگر ارجمندی، ۱۳۹۹: ۲۸) در عصر شاه اسماعیل به عنوان غنیمت جنگی وارد ایران شدند. با توجه داده‌های تاریخی در منابعی چون عالم آرای شاه اسماعیل تعداد زیادی از گرجیان در سپاه شاه اسماعیل (ترکمان، ۱۳۴۹: ۲۱۴) و تعدادی کتیز و غلام و خواجه‌سرایان گرجی به عنوان پیشکش نزد شاه اسماعیل فرستاده شده بود. اما در عصر شاه تهماسب اول و به واسطه لشکرکشی‌های سپاه او بود که خیل عظیمی از گرجیان وارد ایران شدند. طی ۴ لشکرکشی که توسط سپاه شاه تهماسب صفوی در خلال سال‌های ۹۴۷-۹۶۱ هجری قمری اسیران گرجی، ارمنی و چرکسی زیادی وارد ایران شدند که در تحولات نظامی، سیاسی و اجتماعی بعدی نقش تأثیر گذاری داشتند. شایان ذکر است که پیش از ورود این نیروها به ایران نزاع و درگیری بر سر قدرت میان عناصر ایرانی و ترک «دو نژاد مؤسس» وجود داشت. (سیوری، همان، ۶۳) قزلباش‌ها در این عصر با فاصله گرفتن از اهداف دینی و مذهبی و کاسته شدن از تعصبات مذهبی‌شان از دوره شاه اسماعیل اول وارد رقابت و درگیری بر سر قدرت و ثروت شده بودند.

نخستین لشکرکشی توسط سپاه شاه تهماسب در ۹۴۷ هجری قمری (روملو، همان،

کشورگشایی پرداخته و او نیز عنوان سلطان را که نشانه قدرت سیاسی و نظامی بود بر عنوان موروثی روحانی و معنوی شیخ اضافه کردند. (اصفهانی، همان، ۹۴ و طلالاری، ۱۳۹۸: ۱۱۲) او نیز چون پدر در سومین لشکرکشی خود به شروان کشته شد.

روابط با گرجستان در دوره اسماعیل اول

اسماعیل اول نیز در سال ۹۰۶ (روملو، ۱۳۷۵: ۶۱) بعد از اقدام آق‌قویونلوها و هم شروانشاه فرخ یسار برای قتل او در سال ۹۰۵، به گرجستان احتمال با دو انگیزه انتقام کشته شدن پدرش شیخ حیدر و نیایش شیخ جنید و نیز آزمودن سپاه خویش برای نخستین بار لشکرکشی کرده بود. (سیوری، همان ۲۴ و رویمر، همان ۲۸۲) با کشته شدن فرخ یسار و رسیدن خبر تجهیز سپاه الوند سلطان آق‌قویونلو و نوه اوزون حسن، اسماعیل با هدف حمله به الوند به سمت ارس رهسپار گردیده و در شروان طی تیردی، با فرار الوند، پیروزی نصیب اسماعیل شد و با تصرف تبریز راه برای آغاز سلطه صفویان بر قلمرو آق‌قویونلوها گشوده شد. (رویمر، همان، همان جا و حسینی قزوینی، ۱۳۱۴: ۲۳۰) گرجی‌ها در جنگ میان شاه اسماعیل و الوند با سه هزار نیرو شاه اسماعیل را یاری رساندند.

دومین لشکرکشی اسماعیل به شروان در سال ۹۱۵ بود که خبر حمله شیبک خان به کرمان به او رسید که طی مکاتباتی از طریق آذربایجان به خراسان لشکر کشید. (روملو، همان، ۱۴۳، مهدوی، ۱۳۸۵: ۱۵)

در سال‌های بعد اما شاه اسماعیل سپاه و سرداران خود نظیر دیو سلطان روملو را بارها راهی گرجستان کرده و پس از تسخیر گرجستان، بزرگان گرجی را مجبور به پیشکش هدایای فراوان کرده و به دلیل مقاومت لوان، پادشاه کاخت و عدم اتحاد حکام نواحی مختلف گرجستان با یکدیگر یورش‌های دیگری نیز به این منطقه صورت گرفته بود. (کجیاف، ۱۳۸۵: ۳۰) یورش‌ها اغلب با نام دین ولی بیشتر جهت تحکیم قدرت و حفظ این ایالت و ایالات مشابه در مناسبات با همسایگان و نیز جهت کسب غنایم به ویژه اسب، اسیران بسیار و بهره‌برداری از دختران و پسران گرجی و چرکسی

(۳۸۳) با نام «نصرت اسلام و تقویت دین رسول علیه‌السلام به قصد قلع و قمع و گرجیان به سرزمین کفار صورت گرفت. در این لشکرکشی نه تنها تفلیس را به شیوه غزنویان غارت کردند بلکه تعداد زیادی از زنان و کودکان گرجی را نیز به اسارت گرفتند. دومین لشکرکشی سپاه تهماسب به قصد سرکوب شورش برادرش القاس میرزا حاکم شروان در سال ۹۵۳ هجری قمری صورت گرفت که این لشکرکشی قتل عام گرجیان، به اسارت گرفتن تعداد زیادی از آنان و جمع‌آوری غنایم فراوان را در پی داشت.

«تبغ جهاد از نیام انتقام کشیده روی برف را از خون ایشان گلگون ساختند و بسیاری از گاو و گوسفند گرفتند و خانه‌های آن بدکیشان را آتش زدند.» (روملو، همان، ۴۰۹)

سومین لشکرکشی تهماسب به گرجستان در سال ۹۵۸ هجری قمری (باکلیخانوف، ۱۹۷۰: ۹۸) در پی درخواست کیخسرو پسر فرقه والی گرجستان از تصرف برخی از سرزمین‌هایش توسط واکوش گرجی و لوسان شیرمان یا مردان اوغلی صورت گرفت که در این نوبت لشکرکشی تعداد بسیاری از گرجیان کشته، «اهل و عیال و اموال و اسباب از مقتولان به قاتلان به ارث شرعی رسیده، خوب‌رویان گرجی نژاد و پری‌وشان آدمیزاد که هر یک چون خال رخسار خود بر روی روزگار یگانه بودند بر مثال دل عشاق پریشان که مقید زلف مهوشان باشد از دستبرد حوادث لیل و نهار مقید عبودیت و پرستاری شدند.» (روملو، همان، ۴۵۴)

در سال ۹۶۱ هجری قمری در پی وصول خبر سرپیچی گرجیان از اطاعت صفویان و تعرض و تعدی به مناطق مسلمانان نشین، تهماسب به قصد جهاد و غزا به این منطقه لشکرکشی کرده و در نهایت غازیان صفوی دشمنان را از دم تبغ گذرانیده و زنان و فرزندان ایشان را اسیر و تعداد زیادی گاو و گوسفند غنیمت گرفتند. (روملو، همان، ۴۸۹)

پیامدهای لشکرکشی به گرجستان در عصر شاه تهماسب اول

سیاست آگاهانه (سیوری، همان، همان جا) شاه تهماسب در ایجاد تغییرات اساسی در ساختار سپاه صفوی و متعادل کردن قدرت قزلباش‌ها و با افزودن تعداد زیادی عناصر گرجی، ارمنی و چرکسی به تبعیت از الگوی ینی چری عثمانی (ارجمنندی، همان، ۲۶) باعث گشوده شدن بابی را در جهت دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی در دیوان، دربار و حرم شد. از اعقاب تعداد زیادی از زنان (دسلوا، ۱۳۶۳: ۲۱۳) و کودکانی که به عنوان اسیر در زمان تهماسب وارد ایران شدند، نیروی سوم در عصر شاه عباس اول به وجود آمد. با به رسمیت شناختن «نیروی سوم» یا غلامان خاصه شریفه، را که همان غلامان و اسرای قفقازی بودند که به دلیل اینکه شاهان صفوی به گرجیان مسلمان شده توجه ویژه‌ای داشتند، بیشتر به ظاهر تغییر کیش داده بودند، (وکیلی، همان، همان جا) با تعلیمات ویژه‌ای وارد دسته غلامان شده یا در بیوتات سلطنتی یا دیگر شعب ادارات خاصه مورد استفاده قرار می‌گرفتند. (سیوری، همان، همان جا)

«خادمان شاه تهماسب به سه گروه یا طبقه تقسیم می‌شوند: نخست زنان که دختران امیرانند و شاه یا ایشان را خریده است یا به عنوان پیشکش به حرم او راه یافته‌اند. حرم را که اقامتگاه زنان است ایشان سرای می‌خوانند. زنان حرم همه کنیزان گرجی و چرکسند که به شاه هنگامی که در کاخ می‌خواهد خدمت می‌کنند هنگامی که در بیرون کاخ می‌خواهد (دسته دوم) کنیزان در وظایف ناچیزتر در خدمت وی‌اند: مانند لباس پوشیدن و لباس کردن، عده این کنیزان چهل پنجاه تن است و خیمه‌ها و آبدارخانه را سروسامان می‌دهند.» (سفرنامه‌های ونیزیان، ۱۳۶۴: ۴۶۹)

زنان گرجی در حرمسرای صفوی

حرم یا حرمسرای صفوی دارای ویژگی‌هایی بود که برخی از این ویژگی‌ها به طور مشترک یا در تشابه با ساختار حرم شاهان یا سلاطین مسلمان بود و نیز برخی ویژگی‌های خاص خود را نیز دارا بود. حرم در تاریخ ایران اغلب دارای طبقاتی مختلف از زنان بود که مادر شاه با عنوان «نواب‌علیه»، زنان اصلی که توسط خود شاه انتخاب می‌شدند «سولگی»، زنانی که با شاه قرابتی داشتند «بیگم» و سایر زنان یا کنیزان «خانم» نامیده می‌شدند که همراه با فرزندان خود در آن زندگی می‌کردند. این زنان در ادوار مختلف نقش سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متفاوتی داشته و با توجه به موقعیت اجتماعی و سیاسی خاصی که داشتند شیوه زندگی آنان با سایر زنان روستایی، ایلاتی یا شهری تفاوت داشت. (دیناری، ۱۳۹۴: ۲۴) برخی از این زنان دارای پایگاه و خاستگاه اجتماعی اشرافی و متعلق به طبقات بالا بودن که یا بر حسب علاقه و انتخاب شاه و شاهزادگان وارد دربار شده و گاه بر حسب مناسبات سیاسی و روابط دوستانه به عنوان هدیه و پیشکش (قلی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۷۷) چه از میان دختران حکام، امرا یا سران طوایف و قبایل یا کنیز به دربار فرستاده می‌شدند (شاردن، ۱۳۷۲: ۶۷) تا بلکه بتوانند از این طریق توجه و امتیازاتی کسب کنند. برخی از این زنان یا کنیزان نیز اسرا و غنایم جنگی بودند. زنان دربار حاکمان ترک یا مسلمان همواره نقش و اختیاراتی داشتند (امینی، ۱۳۹۴: ۵۱-۷۹). به عنوان مثال خاتون‌ها زنان ترکی که ترک بودن آن‌ها در دربار شاهان ترک‌نبار مهم بود و اختیار و قدرت سیاسی داشتند. این زنان هم امور حرم را در اختیار داشتند، هم حق انتخاب محل زندگی با خودشان بود به گونه‌ای که می‌توانستند به اختیار و انتخاب خود در کنار و نزدیک شاه اقامت کنند و یا در محل و شهری و ایالتی دیگر اقامت گزیده و بر انجام اموری مانند آموزش و تعلیم زنان، دختران و کنیزان حرم، مشارکت در فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی مانند وقف (شایسته‌فر، ۱۳۹۳: ۱۹۲) یا دخالت در انتصاب‌ها و عزل اشخاص و گاهی رسیدگی به امور سیاسی که اختیار داشتند، نظارت و مداخله کنند. در دوره صفویه نیز شاهان معمولاً به لحاظ شرعی محدودیتی برای ازدواج نداشتند و می‌توانستند تا ۴ زن

رسمی و تعداد زیادی زن غیر رسمی و یا کنیزانی که فرزندان این زنان به طور مساوی با سایر فرزندان شاه ارث می‌بردند اما به دلیل این که اغلب دارای شاه محسوب می‌شدند، لزومی به جاری شدن خطبه عقد میان آنان نبود. تمام زنان و دخترانی که وارد دربار و حرم می‌شدند و تحت آموزش‌های خاصی قرار می‌گرفتند. این دختران و کنیزان می‌توانستند به واسطه ازدواج با شاه یا شاهزادگان به شکل رسمی یا غیر رسمی، جایگاه‌های مختلفی کسب کنند. همواره میان نواب‌علیه و یا سولگی یا و سایر زنان با هم به دلیل حسادت در جلب توجه شاه و یا کسب نفوذ بیشتر رقابت وجود داشت. برخی از این زنان یا دختران بعد از آموزش‌های مختلف (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۱۹-۱۲۲) با برخی از امرا و حکام ازدواج می‌کردند و صاحب قدرت می‌شدند. گاهی شاه بعد از ازدواج این دختران با امرا هدایایی به عنوان جهریز به آنان می‌داد. این زنان توسط نگهداری محافظت می‌شدند و معمولاً ارتباط آنان با غیر فقط از طریق خواجگان بود و معمولاً توسط و دسیسه‌های آنان با مشارکت همین خواجگان صورت می‌پذیرفت. (اردوغان، ۱۳۹۸: ۱۷۹، شجاعی، ۱۳۸۴: ۲۸-۶۷) برخی از این کنیزان نیز در امور دیگر چون پیشکش به مهمانان خارجی در دربار نگهداری می‌شدند. (سانسون، همان، ۹۰)

علاوه بر ورود نژاد جدید به سپاه صفوی و ایجاد تغییرات در نهادهای سیاسی و نظامی در این دوره و ورود زنان گرجی و چرکس به حرم سلطنتی، که به دلیل زیبایی مورد توجه بودند.

پیامدها و تأثیر حضور زنان گرجی در دربار صفوی

زنان بیگانه‌ای که توسط امرا، حکام به عنوان پیشکش، اسیر و کنیز به راه یافته و حرم و مورد توجه شاه واقع شدن، زمانی که فرزندی به ویژه پسر به دنیا می‌آوردند، جایگاه خاص و آزادی کسب می‌کردند و با توجه به کاهش نفوذی و تدریجی نفوذ قزلباش‌ها، بردگان قفقازی نفوذ بیشتری در دربار یافتند، به گونه‌ای که در زمان شاه عباس اول اختیار امور حرم در اختیار خاتون‌های جاریه قرار گرفته بود. (همان، ۲۰۰)

«شمار زیادی از اسرای گرجی، از مرد و زن به سوی اصفهان و دیگر شهرها سرازیر گردید. در این میان، کتیزان گرجی به زیبایی شهرت داشتند و با قیمت‌های گزاف خرید و فروش می‌شدند. بسیاری از اینان، برای اعیان فرزند می‌آوردند.» (جعفریان، ۱۳۷۹: ۸۰۰)

هر سال دختران زیبایی توسط امرای گرجی به عنوان پیشکش به دربار شاه فرستاده می‌شدند که بسیاری از زنان شاه تهماسب از جمله این زنان بود. (فلسفی، ۱۳۴۷: ۱۲)

این زنان دست‌مایه‌ی دسیسه‌های سیاسی در پیش گرفتن بر رقیبا در به قدرت رساندن فرزندان خود درگیر مبارزات داخل دربار سلطنتی و موجب تسریع این منازعات گردیدند. (سیوری، همان، همان‌جا)

با نزدیک‌تر شدن به مسئله‌ی جانشینی شاه تهماسب، زنان گرجی و چرکس که فرزند پسر به دنیا آورده بودند تکاپوی بر تخت نشاندن فرزندان خود افتادند که اگر این امر میسر می‌شد، با واسطه‌ی این پشتوانه نیروی سوم قدرت نفوذ قابل ملاحظه در کشور کسب می‌کردند. این زنان گاهی اسلام می‌آوردند ولی برخی در خفا به عبادت قبیله خود می‌پرداختند. برخی از این زنان صرفاً متعه بودند و جایگاه چندانی کسب نمی‌کردند. برخی از این زنان نیز رفاقه‌های شاهی بودند.

از جمله این زنان سومین زن شاه تهماسب اول سلطان‌زاده خانم، دختر علی خان گرجی بود. شاه تهماسب در سال ۹۶۱ هجری قمری با او ازدواج کرد و در فاصله کوتاهی حیدر میرزا فرزند از همین زن گرجی متولد شد. رقابت سختی میان سه زن شاه تهماسب یعنی سلطان‌زاده خانم، سلطان بیگم و سلطان آغا خانم جهت بیشتر مورد توجه واقع شدن زمان حیات شاه تهماسب وجود داشت.

در اواخر سلطنت شاه تهماسب با توجه به اینکه برخی از سران طایفه استاجلو که بیشتر مناصب درباری، کشوری و لشکری را برعهده داشتند، برای ممانعت از بر تخت نشستن اسماعیل میرزا که در قهقهه محبوس بود حیدر میرزا از بیم جان حمایت می‌کردند. همچنین به واسطه اینکه سلطان‌زاده خانم گرجی بود (ترکمان، ۱۳۸۲:

۱۲۸)، توسط امرا و سران گرجی صاحب نفوذ حمایت می‌شد و برخی از سران ایل قاجار که برخی از ایالت گرجستان را در اختیار داشتند با او متحد شده بودند. ابراهیم میرزا برادرزاده و داماد شاه تهماسب و مصطفی میرزا که او نیز مادر گرجی داشت، از حیدر میرزا در به تخت نشستن حمایت می‌کردند. این در حالی بود که پریخان خانم دختر شاه تهماسب که زنی زیرک از یکی از همسران چرکسی‌اش بود و مانند سلطان‌زاده خانم و حیدر میرزا نزد پدرش محبوب و مورد توجه بود. پریخان در مقابل حیدر میرزا از اسماعیل میرزا برادر خود از یک مادر که به لحاظ سلامت عقلی و کفایت، شایستگی سلطنت نداشت، طرفداری می‌کرد. او توسط دایی چرکس خود، شمنخال و طوائف روملو، افشار، ترکمان و تکلو که به واسطه اختلافاتی که با طوائف استاجلو و قاجار داشتند و سایر امرای چرکس و خویشاوندان مادری حمایت می‌شد، به مرور پریخان با زیرکی با تلقین تهدید جانی و سوءقصدی که به جان حیدر میرزا احتمال وقوع داشت، مقدمات کوتاه شدن دست حیدر میرزا از امور را توسط پدر فراهم ساخت.

در سال ۹۸۴ هجری قمری (منجم، ۱۳۶۶: ۳۱) شاه تهماسب در حالی که توسط سلطان‌زاده خانم و با هم‌دستی یکی از پزشکان خاصه به نام ابونصر گیلانی و حیدر میرزا مسموم گردیده بود. برخی علت مرگ او را خفه شدن او در حمام توسط ملازمانش عنوان کرده‌اند. به قولی دیگر بر اثر استعمال نوره در حمام و جراحت یافته و با شدت یافتن جراحت، ضعیف شده و از دنیا رفت. در این اثنا حیدر میرزا به توصیه مادر و هم‌دستانش قصد تاج‌گذاری داشت که پریخان خانم با کمک شمنخال سلطان فرمانده قدرتمند نیروهای چرکس‌ها و حسینقلی خلیفه‌الخلفا و رهبر طایفه روملو به قصر حمله کردند. سلطان‌زاده خانم، پسرش را میان زنان حرم پنهان کرد اما پریخان او را دیده و فریفتش او را از کاخ خارج ساخته و جلوی چشمان مادرش سر از تنش جدا ساختند (فلسفی، همان، ۱۰، مجیری ۱۳۹۲: ۵۵، کجیاف، ۱۳۹۵: ۱۰۴). زنان گرجی دیگری در دربار شاه تهماسب وجود داشت که علی‌رغم به دنیا آوردن فرزند پسر، نه خود و نه فرزندان جایگاه چندانی کسب نمی‌کردند، زیرا آنان جزو زنان

خواهند گرفت.» (دلواله، ۱۳۴۸: ۲۶۷)

حضور این زنان دربار صفویان که منجر به خویشاوندی با گرجیان که در کسوت غلامان خاصه شاهی و نیز خویشاوندی این غلامان با هم موجب نفوذ و قدرت این عناصر در عصر صفوی بود. (ماندا، ۱۳۹۶: ۲۲)

نتیجه

منطقه قفقاز به دلیل موقعیت استراتژیک آن به مثابه مرز میان ایران و همسایگان قدرتمند چون روسیه و امپراتوری عثمانی، در ادوار مختلف تاریخی همواره مورد توجه و محل منازعه میان این کشورها بوده است. از جمله مسائل مهم برای ایرانیان به ویژه صفویان ایجاد سد در برابر عثمانی و روسیه به وسیله تسلط بر این نواحی و گماشتن حاکمان دست‌نشانده و تحت تابعیت خود بر این منطقه بود. از دیگر دلایل توجه صفویان به این منطقه غارت این مناطق به شیوه حاکمان مسلمان پیشین چون لشکرکشی‌های محمود غزنوی به هندوستان و غارت ثروت و اموال معابد هند، به بهانه غزا و جهاد علیه کفار بود. در این لشکرکشی‌ها طبق شیوه مرسوم، عده‌ای کشته یا به اسارت گرفته می‌شدند. اموال آنان غارت، اراضی و املاکشان ویران و خانواده آنان به عنوان غنیمت به ایران منتقل می‌شدند. در میان این اسیران زنان و دختران گرجی که در هنگام لشکرکشی به اسارت گرفته شدند حضور داشتند و گاهی نیز امرا یا حکام برای جلب توج شاه یا کسب امتیاز دختران و زنان را به دربار ایران به عنوان هدیه و پیشکش به صورت بی‌رویه می‌فرستادند. این زنان و دختران اغلب در دربار شاه آموزش دیده و مورد توجه شاه یا بزرگان قرار می‌گرفتند به گونه‌ای که شاهان صفوی و بزرگان کشور اغلب تعداد زیادی زن گرجی داشتند. برخی از آنان به آیین اسلام روی می‌آوردند و در آن باقی بودند. برخی به ظاهر اسلام را پذیرفته و پنهانی به آیین خود مشغول بودند، برخی نیز در آیین خود مانند مسیحیت باقی بودند. این زنان وقتی سوگلی شاه صفوی می‌شدند، گاه به واسطه تولد فرزندی جایگاه بالاتری کسب می‌کردند و تبدیل زن رسمی شاه

متعه بودند. مانند زهرا باجی خانم، دختر شاهزاده اوتار، مادر مصطفی میرزا که در مسئله جانشینی حیدر میرزا از او طرفداری کرده و جان خود را از داد. سلطان علی میرزا دیگر پسر شاه تهماسب از زهرا باجی خانم بود. خان‌پور خانم، خواهر زال بیگ گرجی مادر سلطان محمود میرزا و سلطان امامقلی میرزا که از کتیزان شاه تهماسب بود. حوری خان خانم، شاهزاده گرجی‌تبار که یکی دیگر از زنان شاه تهماسب و مادر مریم بیگم بود. مریم بیگم و زینب بیگم از جمله زنان پر نفوذ صفوی بود که اقتدار زیادی داشت. شاه سلیمان نیز از یک زن گرجی متولد شده بود، و چون تا رسیدن به سلطنت در میان جمعی زن و خواجسه‌سرا بزرگ شده و چیزی جز شهوت‌رانی و سنگدلی و بی‌رحمی نیاموخته بود. (کاری، ۱۳۴۸: ۹۰)

در دوره سلطنت شاهان بعدی چون شاه عباس به دلیل حضور تعداد زیادی از گرجیان به عنوان سران کشوری، لشکری و ندیمان و زنان گرجی متعدد که به دلیل زیبایی نسبت به زنان دیگرش در حرم مقرب‌تر به او و سوگلی او بودند، زنان گرجی آموخته و به این زبان سخن می‌گفت. (فلسفی، ۱۳۴۷: ۲۲)

تعداد این زنان گرجی و چرکسی و حتی روسی در دربار شاه عباس به دلیل زیبایی آنان و علاقه شاه به آنان بسیار زیادتر از زنان ایرانی بود. (همان، ۲۱۳)

در ادوار بعد تعداد این زنان در ایران به قدری بود که دلاواله در سفرنامه خود عنوان کرده است که به دلیل سخت‌گیری‌هایی که توسط شاهان صفوی در مورد گرجیان صورت گرفته است، و به یاد عزیزانشان که به دلایلی توسط صفویان کشته شده‌اند.

«اگر فرصتی دست دهد آنان تمام قیود فعلی را رها کرده و و انتقام بی‌عدالتی‌های گذشته را خواهند کرد و در این مورد به جز تعداد زیادی از آنان که در قشون حضور دارند، بلکه تمام خانه‌های ایران نیز پر از زنان گرجی است و بدین ترتیب اگر گرجی‌های داخل ایران تفنگ به دست گیرند، از پشتیبانی زیادی برخوردار خواهند شد و اگر خود تهورس خان جوان و فرزندانش در این کشور اراده کنند حکومت را در دست

شده و نفوذ فراوانی می‌یافتند. گاه نیز علی‌رغم تولد فرزندی، زنان در همان جایگاه کنیزی که به عنوان منعم حضور داشتند، باقی می‌مانند. زنان با نفوذ یا تکیه بر حمایت خویشاوندان گرجی خود یا طوایف گرجی که از آنان پشتیبانی می‌کردند یا اتحاد با طوایف ایرانی که با سایر طوایف ایرانی اختلاف داشتند، دسیسه‌چینی کرده و با دخالت در امور مختلف و مهم مانند مسمومیت شاه تهماسب و جانشینی حیدر میرزا نقش بسزایی ایفا می‌کردند. در دوره صفویه تا اندازه‌ای نفوذ این زنان شدت یافته بود که امور حرم به دست جاریه‌ها کنترل می‌شد. این رویه تا دوره قاجار نیز ادامه داشته و همواره گرجیان در مناسبات ایران تأثیر زیادی داشته‌اند.

فهرست منابع

آهنگر ارجمنندی، فاطمه و امید اخوی، نگاهی به وضعیت غلامان گرجی در ساختار نظامی صفویه در دوره شاه عباس اول، مطالعات ایران‌شناسی، سال ششم، تابستان ۱۳۹۹، شماره هفدهم، صص ۲۵-۴۰.

اردوغان، آرآلب، حرم در دولت صفوی، مینا سهرابی و رضا الوندی، تاریخ پژوهی، سال بیست و یکم، بهار ۱۳۹۸، شماره ۷۶، صص ۱۷۹-۲۰۲.

امینی، حانیه، نقش سیاسی خاتونان دربار در عهد ترکمانان (۷۸۰-۹۲۰ ه.ق)، تاریخ‌نامه خوارزمی، سال دوم، بهار ۱۳۹۴، شماره ۷، صص ۵۱-۷۹.

بیگدلی، محسن، چگونگی استقرار مهاجران گرجی در ایران دوره صفوی، تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم، پاییز و زمستان، ۱۳۹۸، شماره دوم، صص ۱۲۹-۱۵۳.

باکلیخانوف، عباسقلی آقا ۱۹۷۰، گلستان ارم، باهتمام عبدالکریم علی‌زاده، محمد آقا سلطانوف، محمد آذرلی، ازدرعلی اصغرزاده و فاضل بابایف، باکو، فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان، انستیتوی تاریخ.

پناهی، عباس، پیامدهای لشکرکشی‌های شاه تهماسب اول به قفقاز و گرجستان، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۱۷، صص ۴۷-۶۴.

تأثیرات متقابل تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان (مجموعه مقالات)، ۱۳۸۰، جمعی از محققین، چاپ اول اداره نشر وزارت امور خارجه، تهران.

ترکمان، اسکندر بیگ، ۱۳۴۹، عالم آرای شاه اسماعیل، چاپ اول، اصغر منتظر صاحب، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

_____، ۱۳۸۲، تاریخ عالم آرای عباسی، جلد ۱، چاپ سوم، ایرج افشار، تهران، امیر کبیر.

جعفریان، رسول، ۱۳۷۹، صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، ج ۲، چاپ اول، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، صص ۸۰۰.

جنابندی، میرزا بیگ، ۱۳۷۸، روضه الصفویه، چاپ اول، غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، بنیاد موقوفات ایرج افشار.

حسینی استرآبادی، سید حسین بن مرتضی، ۱۳۶۶، از شیخ صفی تا شاه صفی (از تاریخ سلطانی)، چاپ دوم، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، انتشارات علمی.

حسینی القزوینی، ۱۳۱۴، یحیی بن عبداللطیف، لب التواریخ، چاپ اول، سید جلال‌الدین طهرانی، تهران، نشریات موسسه خاور، مطبعه نمینی.

حسینی القمی، قاضی احمد بن شرف‌الدین الحسین، ۱۳۸۳، خلاصه التواریخ، چاپ دوم، به تصحیح احسان اشراقی، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، ۱۳۸۰، تاریخ حبیب‌السیر، جلد ۴، چاپ چهارم، تهران، خیام.

دلواله، پیرو، ۱۳۴۸، سفرنامه پیرو دلواله، چاپ اول، شعاع‌الدین شفاء، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.

دیناری، سکیته، وضعیت اجتماعی زنان در دوره صفوی با تکیه بر دیدگاه سفرنامه‌نویسان، جندی شاپور، پاییز ۱۳۹۴، سال اول، شماره ۳، صص ۲۳-۳۹.

روملو، حسن بیگ، ۱۳۵۷، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوانی، تهران، بابک رومی، هانس روبرت، ۱۳۹۵، ایران در راه عصر جدید، چاپ سوم، آذر آهنچی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

سانسون، ۱۳۴۶، سفرنامه سانسون، وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، تقی تفضلی، تهران، ابن سینا، صص ۱۱۹-۱۲۲.

سیوری، راجر، ۱۳۹۱، ایران عصر صفوی، چاپ بیستم، کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.

سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه) سفرنامه‌های ونیزیانی که در زمان اوزون حسن و اوایل عهد صفوی به ایران آمده‌اند، ۱۳۶۴، منوچهر امیری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

شاردن، ژان، ۱۳۷۲، سفرنامه شاردن، جلد دوم، محمد عباسی، تهران، امیر کبیر.

شایسته فر، مهناز، محمد خزایی و شهین عبدالکریمی، بررسی جایگاه اجتماعی زنان و کودکان در دوره شاه تهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۳ ق) بر اساس تطبیق نگاره‌های نسخ شاهنامه تهماسبی و هفت اورنگ جامی، زن در فرهنگ و هنر، تابستان ۱۳۹۳، دوره ششم، شماره ۲، صص ۱۸۹-۲۰۸.

شجاعی، عبدالمجید، زن، سیاست و حرمسرا در عصر صفوی، انتشارات امید مهر، ۱۳۸۴، صص ۲۸-۶۷.

طلاری، محمد رضا و هبت‌الله هاشمی، نقش سیاسی قزلباش در عهد شیخ جنید و شیخ حیدر صفوی، دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال دوم شماره ۱۸، آبان ۱۳۹۸.

عادل، پرویز، عنادورزی جهان‌شاه با شیخ جنید صفوی، دلیل سیاسی یا مذهبی؟ آموزش تاریخ، دوره هفتم، شماره ۳، بهار ۱۳۸۵، صص ۳۴-۳۹.

فلسفی، نصرالله، ۱۳۴۷، زندگانی شاه عباس، چاپ چهارم، جلد یک، دانشگاه تهران، آبان ۱۳۹۸، جلد دوم.

قلی‌زاده، آذر، نگاهی جامعه‌شناختی به موقعیت زنان در عصر صفوی، پژوهش زنان، دوره ۲، تابستان ۱۳۸۳، شماره ۲، صص ۷۷-۸۸.

کانتف، فدت آفاناس یویچ، ۲۵۳۶، سفرنامه کانتف، محمد صادق همایونفرد، تهران، کتابخانه ملی ایران.

کارری، جملی، ۱۳۴۸، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران، موسسه انتشارات فرانکلین.

کجباف، علی اکبر، مناسبات ایران و گرجستان از آغاز تا عصر صفوی، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۳۸۵، شماره ۲۹، صص ۲۱-۴۲.

_____ و مجتبی منصوریان، چرکس‌ها و ورود آن‌ها به دولت صفویه، رهیافت تاریخی، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱۵، صص ۹۷-۱۲۰.

گوگچه، جمال، ۱۳۷۳، قفقاز و سیاست امپراتوری عثمانی، چاپ اول، وهاب ولی، مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران.

ماندا، هیروتاکه، ۱۳۹۶، چهار دودمان گرجی در عصر صفوی، چاپ اول، ترجمه و حاشیه مصطفی نامداری منفرد، تهران، نشر تمثال.

ملا جلال‌الدین منجم، ۱۳۶۶، تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، چاپ اول، به کوشش سیف‌الله وحید نیا، تهران، وحید.

میرجعفری، حسین و علی جعفری، ۱۳۹۰، از قدرت تا قتل ناجوانمردانه (زندگی‌نامه امامقلی خان)، به اهتمام دکتر جلیل نائیبان و حسن گلی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی قفقاز در بستر تاریخ، موسسه مطالعات اندیشه سازان نور با همکاری موسسه فرهنگی و مطالعات بین‌المللی آران، تهران.

نوری مجیری، مهرداد، زنان نامدار صفوی در عرصه سیاست، تاریخ پژوهی، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۵۵، صص ۱۹۵ تا ۲۱۴.

واله قزوینی اصفهانی، محمد یوسف، ۱۳۷۲، خلد برین، چاپ دوم، به تصحیح میر هاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار.

وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر، ۱۳۸۳، تاریخ جهان آرای عباسی، به تصحیح سید سعید میر محمد صادق، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

وکیلی، هادی و زینب حسینی محراب، سیاست مذهبی شاهان عصر صفوی نسبت به مسیحیان، پژوهش در تاریخ، بهار ۱۳۹۰، شماره ۲، صص ۶۵-۹۸.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۸۵، تاریخ روابط خارجی ایران (از ابتدای دوران

صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی)، چاپ یازدهم، تهران، امیرکبیر.
ای فیگروآ، گارسیا د سیلوا، ۱۳۶۳، سفرنامه دن گارسیا د سیلوا فیگوروا، چاپ اول،
ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.